

رهبر حکیم انقلاب، ۲۰ اردیبهشت ماه همزمان با میلاد با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و در سالی که با عنوان «سرما به گذاری برای تولید» مزین شده است، در دیداری صمیمانه با کارگران به بیان نکاتی کلیدی و راهبردی درباره مسائل کار و تولید پرداختند. ایشان با تأکید بر نقش بنیادین کارگران در پیشرفت کشور، کار را دارای ارزشی والا دانسته و کارگر را ستون استوار اقتصاد ملی معرفی کردند. در این بیانات الهام بخش، محورهای مهم همچون ارزش گذاری کار و کارگر، تأمین امنیت شغلی، جلوگیری از تعطیلی کارخانه ها، امنیت شغلی کارآفرین، مهارت افزایی کارگران، ایمنی کارگر، حمایت از تولید داخلی، مشارکت کارگران در سود تولید، تأمین مسکن کارگری، تقویت فرهنگ محیط کار و توجه به تنوع نیروی کار با نگاهی آینده نگر و دقیق مورد تأکید قرار گرفتند؛ مسائلی که می توانند نقشه راهی مؤثر برای تحکیم پیوند میان تولید و معیشت باشند. در سلسله گزارش های پیش رو، هر یک از این محور ها به صورت جداگانه واکاوی و تلاش شده است ابعاد گوناگون آنها روشن و پیشنهاد هایی کاربردی برای سیاست گذاران، کارفرمایان و بدنه کارگری کشور ارائه شود؛ ششمین گزارش به ایمنی کارگر می پردازد.

سلسله گزارش های «جوان» درباره مسائل کارگری – ۶

ایمنی حق کارگر است نه لطف کارفرما!

گاهی فقط یک ثانیه کافی است تا زندگی انسانی به قیل و بعداز حادثه تقسیم شود. این ثانیه های تلخ در زندگی هزاران کارگر ایرانی تکرار می شوند؛ کارگرانی که صبح با امید از خانه خدا حافظی می کنند، اما شاید هرگز بازنگردند. ایمنی، ساده ترین و ابتدایی ترین حق هر نیروی کاری است؛ حقی که در بسیاری از محیط های صنعتی کشور نادیده گرفته شده و گاه قربانی سود، بی برنامگی یا بی تفاوتی شده است. از انفجار در معادن زغال سنگ بورت و طیس تا سقوط داربست ها و انفجار مخازن در کارخانه های بی نام، همه یک پیام مشترک دارند؛ جان کارگر از آن شمرده می شود. کمبود تجهیزات ایمنی، آموزش ناکافی، نبود نظارت مؤثر و نگاه غیر مسئولانه به نیروی کار، دلایل تکرار این فجایع هستند. این در حالی است که کارگران نه تنها ستون فقرات تولید، بلکه سرمایه های انسانی این سرزمینند. اکنون زمان آن فرا رسیده است که دولت و نهادهای مسئول، ایمنی کار را از حاشیه به متن بیاورند. این یک مطالبه است، نه خواهش. باید ساختار ها اصلاح، بودجه ها تخصیص و نظارت ها جدی شوند. حفظ جان کارگران، فقط وظیفه ای انسانی نیست، بلکه معیار عدالت و عقلانیت در مدیریت کشور است. دیگر جایی برای غفلت نمانده، هر حادثه تکرار و هر زخم، نشانی از مسئولیتی است که به درستی انجام نشده است.

دولت چهاردهم ا واقعاً معتقد به عدالت اجتماعی است. بسم الله. ■ ■ ■ فقط یک لحظه غفلت کافی است تا یک عمر پشیمانی باقی بماند. این جمله را کارگری در یک می کند که از زیر آوار معدن زنده بیرون آمده با هنوز صدای فریاد همکارانش را در گوش دارد. او تنها یک نمونه است؛ یک روایت از میان هزاران داستان نان آوارانی که در محیط های ناایمن و زیر سقف هایی که هر لحظه ممکن است فرو بریزد، کار می کنند. در جامعه ای که نیروی کار بزرگ ترین سرمایه انسانی است، بی توجهی به ایمنی کار، نه فقط غفلت از جان انسان هاست که بی مسئولیتی در برابر بنیان های توسعه و عدالت اجتماعی است.

طی سال های متعددی تعیین حقوق های غیر منصفانه بسیاری را با لباس کارگری بیگانه کرده است. حالا دیگر مردم تن به حقوق های رسمی و بیمه ای و شرکت های رسمی نمی دهند و سراغ مشاغل غیر رسمی می روند. در چنین شرایطی مسئولان و نظام حکمرانی کشور پشتیبانی تمام قد از جامعه کارگری را اعلام کرده اند. سال جاری به «سرما به گذاری برای تولید» نامگذاری شده است و مهم ترین سرما به تولید در بخش تقسیم می شوند؛ عده ای که کار با در آمد پایدار و بسیار دارند و یکی از ستون های قوام و دوام جامعه، کارگران هستند. ■ ■ ■

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران از مجموع ۲۴ میلیون نفر شاغل در کشور ۵۷ درصد بازار اشتغال کشور را مشاغل غیر رسمی تشکیل می دهند. مشاغل غیر رسمی در تعریف به مشاغلی گفته می شود که افراد شاغل در آن بدون داشتن قرارداد رسمی کار، معمولاً با دستمزد کمتر از حداقل مزد قانونی و بدون برخورداری از حمایت های اجتماعی مانند بیمه های اجتماعی و چتر حمایتی قانون کار مشغول کار می شوند، اما بخش دیگری از شاغلان غیر رسمی آنها ی هستند که به صورت خوداشتغالی مشغول فعالیت هستند، این دسته خود به دو بخش تقسیم می شوند؛ عده ای که کار با در آمد پایدار و بسیار دارند و در جیح شان این است که تحت پوشش بیمه قرار نگیرند، اما بخش دیگر طیف ضعیف تری از نظر رفاهی هستند که احتمالاً نتوانسته اند یک کار رسمی پیدا کنند تا در آمدشان کفاف هزینه های زندگی را بدهد، بنابراین به دستفروشی و مسافر کشی می پردازند.

■ **تعیین غیر منصفانه دستمزد کارگران**

یکی از مهم ترین دلایل افزایش مشاغل غیر رسمی به باور کارشناسان، تعیین غیر منصفانه دستمزد کارگران در سال های متمادی بود که این وضعیت به کاهش نیروی کار ماهر منجر شده است. امروز، تقاضا برای

گزارش یک
هادی اسماعیلی



وقتی جان کارگران در سایه کم توجهی به استانداردها و نبود نظارت می سوزد، مطالبه ایمنی شایسته تعارف نیست. وقت آن رسیده است که دولت و نهادهای مسئول، مسئولیت های خود را جدی بگیرند؛ پیش از آنکه حادثه بعدی تیتز شود!

اقتصادی و نبود امنیت شغلی، حتی جرئت اعتراض به شرایط ناایمن را ندارند. آنها سکوت می کنند، خطر را می پذیرند و هر روز دل به تقدیر می سپارند. این چرخه نه تنها غیر اخلاقی، بلکه ضد توسعه است.

■ **مسئولیت های فراموش شده**

در چنین شرایطی، نقش دولت و نهادهای متولی به هیچ وجه قابل انکار نیست. وزارت کار، سازمان تأمین اجتماعی، اداره های کل ایمنی و بهداشت حرفه ای و حتی نهادهایی مانند سازمان استاندارد، همه و همه بخشی از زنجیره نظارتی و حمایتی از کارگران هستند، اما واقعیت این است که عملکرد این نهادهای در بسیاری از موارد با ناکافی بوده، یا آنقدر دیر هنگام که فایده ای نداشته است. برخی قوانین مصوب در حوزه ایمنی کار، سال هاست که خاک می خورند یا اجرای کامل آنها با چالش مواجه است. از طرف دیگر، نظارت های میدانی و بازرسی های دوره ای، به دلایل مختلف از جمله کمبود نیرو، فساد اداری یا فشار های بیرونی، کارآمدی لازم را ندارند. جای خالی سیاست گذاری شفاف، بودجه ریزی هفندمند برای ایمنی کار و ایجاد سازو کار های پاسخگو برای جبران خسارات جانی و مالی سال هاست که احساس می شود. در فضای عمومی نیز مسئله ایمنی کارگران هنوز به یک دغدغه ملی تبدیل نشده است. شاید چون بسیاری از کارگران در حاشیه های اقتصادی و اجتماعی قرار دارند، صدای شان به سختی شنیده می شود، اما این صدا، باید شنیده شود. جان کارگر، شأن انسانی او و امنیت خانواده اش، چیزی نیست که قابل چشم پوشی باشد.

■ **پیامدهای پنهان، تجربه های روشن**

نباید تصور کرد که پیامدهای بی توجهی به ایمنی کار، فقط در آمار فوتی ها و مصدومان خلاصه می شود. فراتر از این ارقام، اعتماد از دست رفته کارگران به ساختار های رسمی، بی انگیزگی نیرو های کار، دستمزد در صنایع عنوان کرد و گفت: این وضعیت به کاهش نیروی کار ماهر منجر شده است.

«جوان» دلایل کاهش نیروی کار ماهر و افزایش مشاغل غیر رسمی به ۵۷ درصد را بررسی کرد

قهر با لباس کارگری



وزنه مشاغل رسمی از مشاغل غیر رسمی سنگین تر شود.

■ **برنامه های وزارت کار برای کاهش مشاغل غیر رسمی**

در حال حاضر در برخی کشور ها از جمله شرق آسیا دستفروشی به عنوان یک شغل ترویج می شود و آن را جزو خدمات مولد می دانند، ولی در کشور ما جزو مشاغل کاذب و غیر رسمی است که البته در بحث اینکه اشتغال غیر رسمی کجاست، اختلاف نظر وجود دارد.

مؤثر و منظم قرار ندارند. کارفرمایی که ضعیف ترین نظارتی را حس نکنند، اغلب انگیزه ای برای رعایت مقررات ندارند. از طرفی، نهادهای مسئول نیز به دلایلی چون کمبود بودجه، نیروی انسانی، فشار های سیاسی یا اقتصادی و گاه حتی فساد اداری، نتوانسته اند نقش واقعی خود را ایفا کنند.

■ **قربانیان بالقوه خطر**

یکی از حلقه های مقفوده اساسی در بحث ایمنی کار، آموزش است. آموزش های ایمنی باید از بدو ورود کارگر به محل کار آغاز شود و به صورت مستمر ادامه یابد. در بسیاری از کشور ها، شرکت در دوره های آموزشی ایمنی، پیش نیاز اشتغال در هر شغل خطرناک محسوب می شود. در کشورمان، بسیاری از کارگران بدون هیچ شناختی از اصول ایمنی، وارد فضا های پرریسک می شوند. پیمانکاران موقت، کارگران مهاجر، نیروی انسانی فصلی و غیر رسمی، عملاً از هر نوع آموزشی محرومند. این عدم آموزش نه تنها آسیب پذیری کارگر را بالا می برد، بلکه سطح عمومی ایمنی محل کار را نیز پایین می آورد، چرا که یک اشتباه می تواند جان چندین نفر را همزمان تهدید کند.

■ **مسئولیت اجتماعی کارفرمایان**

امروزه در ادبیات توسعه، مفهومی به نام «مسئولیت اجتماعی بنگاه ها» (CSR) به طور جدی مطرح است. بر اساس این نگاه، بنگاه اقتصادی صرفاً نهادهی برای سوداوری نیست، بلکه مسئولیت هایی فراتر از تولید و فروش دارد؛ از جمله در قبال جان و سلامت کارکنانش. در کشورمان اما هنوز این مفهوم، در حد شعار باقی مانده است. بسیاری از کارفرمایان ایمنی را هزینه می دانند نه سرمایه گذاری. حال آنکه مطالعات جهانی نشان داده اند، هزینه برای ایمنی در بلندمدت از هزینه های ناشی از حوادث به مراتب کمتر است. نکته کلیدی در اینجا ست، جان کارگر، نباید قربانی سود کوتاه مدت شود. اگر ایمنی به درستی اجرا شود، سودآوری هم پایدار تر خواهد بود. متأسفانه در برخی سطوح مدیریتی کشور، نگاه غالب به نیروی کار، نگاهی کنترل محور است. به جای شنیدن صدای کارگر، اغلب تلاش می شود از مطالبه گری پیشگیری شود. این در حالی است که مطالبه ایمنی، نه تهدید، بلکه فرصتی برای اصلاح است. اگر به کارگر به عنوان انسانی شریف، آگاه و شایسته احترام نگاه شود، باید صدای او را شنید و نگرانی هایش را جدی گرفت. مطالبه ایمنی، بخشی از حق حیات است.

■ **یازدانشی در سیاست گذاری ایمنی کار**

برای حل بحران ایمنی کار در کشورمان، دیگر نمی توان با اقدامات مقطعی یا واکنشی به حوادث پاسخ داد. ما به مستل های ساختاری و چندلایه روبرو هستیم که نیازمند یازدانشی در سیاست گذاری، تخصیص بودجه و اراده ای فراتر از شعار است. در گام نخست، باید ایمنی شغلی از جایگاه حاشیه ای خود خارج و به اولویت اول دولت و مجلس در حوزه کار و رفاه اجتماعی تبدیل شود. این اولویت نه فقط در قانون گذاری، بلکه در اجرا، نظارت و پاسخگویی نیز باید به وضوح دیده شود. ایجاد نهاد مستقل ملی ایمنی کار با اختیارات قانونی و ساختار تخصصی، می تواند نظارت ها را از حالت فرمایشی خارج و ضمانت اجرایی مقررات را افزایش دهد. سازمان بازرسی کار، ادار های ایمنی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیازمند بازسازی جدی در ساختار و فرآیندهای خود هستند. بازرسی های غیر حضوری و صوری باید جای خود را به حضور فعال و هدفمند در محیط های کاری بدهند. همچنین ضروری است تا مکانیسم های جبران خسارت حوادث کاری برای کارگران و خانواده های آنها تسهیل شده و بدون بروکراسی طاقت فرسا اجرا شود.

■ **آموزش و باز آموزش**

هیچ سیاست ایمنی بدون آموزش مؤثر کارگر و کارفرما دوام نخواهد آورد. دولت باید با همکاری تشک ل های کارگری و کارفرمایی، نظام آموزش فراگیر ایمنی شغلی را طراحی و اجرا کند؛ نظامی که نه تنها فنی، بلکه حقوقی، روانی و اجتماعی نیز باشد. در کنار آن، ادغام آموزش ایمنی در برنامه درسی مدارس فنی و حرفه ای و دانشگاه ها نیز گامی پیشگیرانه خواهد بود. شاید مهم ترین گام، تغییر نگاه به مفهوم انسانی است از حق، کرامت و نقش حیاتی در توسعه کشور. اگر جان کارگر از رچ نهاده شود، ایمنی او هم پاس داشته می شود. مدیران کشور باید در عمل نشان دهند که جان انسان ها از هر چیز دیگری باارزش تر است. این رویکرد انسانی، پایهای برای توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و اعتماد عمومی است.

■ **از بحران به فرصت**

حوادث کاری اگرچه تلخند، اما می توانند محرکی برای اصلاح ساختار ها باشند. کشورمان با نیروی کار جوان، فعال و متعهد خود ظرفیت آن را دارد که به الگویی منطقه ای در ایمنی کار تبدیل شود. اگر نگاه، اراده و سیاست گذاری درست وجود داشته باشد، ایمنی، نه شعار است و نه هزینه، سرمایه ای است برای آینده.

غیر رسمی اشاره کرد و گفت: در وزارت کار برای آنکه شرایط بازار کار بهبود یابد، برنامه داریم و یکی از برنامه های محوری وزیر کار این است که سهم بازار کار غیر رسمی را کاهش بدهیم. وی گفت: در انتهای سال گذشته تصویب نامه هیئت دولت برای بیمه فعالان و شاغلان در پلتفرم ها را داشتیم و طبق آمار بیش از ۶ میلیون نفر شاغل در کشور وجود دارد که از این تعداد ۲ میلیون نفر به طور قطعی فاقد بیمه هستند و در پلتفرم ها و مشاغل اینترنتی فعالیت دارند.

معاون وزیر کار افزود: مشاغل خانگی، مشاغل آزاد کاری و مشاغل اینترنتی از حمایت های بیمه برخوردار نیستند و تلاش داریم با یک برنامه رماندینی شده موانع موجود را بر طرف و آنها را از شرایط حداقلی بیمه بهره مند کنیم.

معاون اشتغال وزارت کار گفت: در حال حاضر ۷۵ مشاغل غیر رسمی در مشاغل مناطق حاشیه ای است که عمدتاً به شکل فامیلی می کنند و مزد کار را خانواده می برد، بنابراین یکی از برنامه های جدی وزارت کار این است که با کاهش بازار کار غیر رسمی حمایت بیشتری از بازار کار و نیرو های کار رسمی داشته باشیم.

■ **شرط رشد ۸ درصدی بازنگری در نظام حقوق کارگران است**

شکل گیری اقتصاد غیر رسمی اثرات منفی و زیانباری روی اقتصاد کشور دارد و باعث هدر رفت منابع، تزیق شکوک منفی به اقتصاد و گسترش مشاغل کاذب و غیر مولد می شود. مشاغل غیر رسمی در زمینه اشتغال به افراد شاغل در آن بدون داشتن قرارداد رسمی کار و برخورداری از حمایت های اجتماعی و بیمه ای با دستمزی کمتر از مزد قانونی به کار اشتغال دارند. اگر قرار است ۸ درصد رشد اقتصادی داشته باشیم ۳۰ درصد آن حاصل از بهروری است و مهم ترین مؤلفه بهروری نیروی کار و افزایش انگیزه آنان است.